

جنبه‌های قضایی
آزادیهای اجتماعی (مدنی) و سیاسی
ایالات متحده آمریکا

و
تحولات اخیر آنها

کنت و . گرین آوالت (۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ترجمه و نگارش

علی اردلانی

بازپرس آمل

پس از وضع قانون مدنی جدید آمریکا بسال ۱۹۶۸ که «منشور کبیر حقوق بشر»
و «مهمترین قانون اجتماعی نسل حاضر» لقب گرفته ، مترجم بر آن شد که در ضمن یاداشتهایی

1) Kenneth W. Greenawalt.

گذشته و مبانی حقوقی، اصول معتبر پیشین و سابقه معمول حقوق امریکارا که در تهیه و تدوین این قانون مناط قرار گرفته، بطور کلی و خلاصه بخوانندگان گرامی عرضه دارد. این یادداشتها از شماره ۹۲ بعد این مجله بطبع رسید و در اینجا پایان می پذیرد.

حق متهم بمواجه شدن با گواهان سوگند خورده در مرحله دادرسی.

بموجب اصلاح ششم يك اصل اساسی مورد قبول واقع شده است. بر طبق این اصل در دعاوی جزایی مورد رسیدگی در محاکم فدرال و در محاکمات کیفری مطروح در دادگاههای ایالات، نمی توان حق متهم به روبرو شدن با گواهان قسم خورده در جریان دادرسی را نادیده گرفت، زیرا در حقوق آمریکا «متهم کننده بدون مواجهه»، معنی و موردی ندارد. باستناد این حکم متهمین می توانند حضوراً با گواهان اقدام بسؤال و جواب متقابل نمایند. بدون رعایت این حق و مواجهه متهم با گواهان و انجام سؤال و جواب متقابل بشیوه بازجویی، کمال مطلوب مردم آمریکا از اصول دادرسی در زندگی جاری تحقق پذیر نیست.

حق متهم بتقاضای احضار گواهان بطریق قانونی. این از حقوق اساسی

هر متهمی است که می تواند احضار گواهانی را که بنفع وی شهادت می دهند و ادله ای بنفع او بگواهی آنان تحصیل می شود، تقاضا نماید.

حق بر خورداری از معاضدت و مشاوره وکیل. هر چند اعلام شده است

که مقررات اصلاح ششم فقط در محاکمات دادگاههای فدرال رعایت می شود، محکمه عالی تأکید نموده که آیین دادرسی در اصلاح چهاردهم ایالتها را نیز ملزم باعطای حق بر خورداری از معاضدت و مشاوره وکیل در محاکمات جنایی بمتهمین می سازد. بعلاوه این حق در مواقعی که متهم نمی تواند از خود بر مقتضای عدالت و نصفت دفاع نماید، بمتهم داده شده است.

مقررات مربوط بدادرسیها در دادگاههای فدرال (قاغده ۴۴ مجموعه قانون

آیین دادرسی کیفری فدرال) دادگاه را مکلف نموده است که اگر متهمی بدون وکیل مدافع در جلسه دادگاه حضور یافته، باو تفهیم کند که حق دارد از مشورت وکیل و معاضرت وی بر خوردار گردد. البته ممکن است متهم ترجیح دهد شخصاً بدون نیاز بوجود وکیل از خود دفاع کند که در اینصورت رسیدگی

بی اشکال است. رعایت این امر آن اندازه ضروری است که تمام محاکمات دادگاههای
 فدرال که در آنها متهم فاقد وکیل مدافع است یا تذکر مراتب فوق الذکر
 بفراموشی سپرده شده، مخدوش و برخلاف مقررات قانونی می باشند^(۱). محکمه
 عالی راجع بمحاکمات جنایی در دادگاههای ایالات اعلام کرده است که متهم
 باید دارای امکانات لازم برای انتخاب وکیل و مشورت با وی باشد. عدم رعایت
 این امر از «موارد مهم» محسوب است^(۲). اگر متهم مبتلا بجنون باشد، ضرورت
 وجود وکیل برای دفاع از او آشکارتر است^(۳). حق استفاده از مشورت و دفاع
 وکیل مدافع تنها محدود بزمان بررسی ماهوی پرونده نیست، زیرا متهم «در
 تمام مراحل رسیدگی بیرونده اش براهنمایی و مشورت وکیل نیازمند است»
 معینا باستناد این حق نمی توان برخلاف میل متهمی وکیل را باو تحمیل نمود^(۴).
 در محاکمات جنایی انتخاب وکیل و مشاوره و دفاع وی از عناصر اساسی دادرسی
 است. مگر اینکه متهم بمیل خود از این حق استفاده نکنند. اگر کسی در دادگاه
 ایالتی محکوم شود و از معاضدت قضایی وکیل صرف نظر نکرده باشد، چنانچه
 اوضاع و احوال قضیه نشان دهد که حقوق او بدون وکیل بنحو عادلانه حفظ و
 مراعات نگردیده است، رأی صادره از نظر عدم اجرای مقررات مربوط بدادرسی
 قانونی اصلاح چهاردهم نقض خواهد شد و هرگاه محکمه حقوقی یا جزایی
 ایالتی یا فدرال بعد از مداخله وکیل از استماع مدافعات و یا اظهارات یکی از

1) Johnson v. Zerbst 309 U. S. 458, 968 (1938);
 Walker v. Johnson, 312 U. S. 275 (1941); Glasser
 v. U. S. 315 U. S. 60 (1942); U. S. v. Morgan
 346 U. S. 502, 512 (1954).

2) Chandler v. Freitag, 398 U. S. 3 (1954);
 Hawk v. Olson 326 U. S. 271.

3) Massey v. Moore 348 U. S. 105 (1954).

4) Johnson v. Zerbst. p. 463 Powell v. Alabama
 287 U. S. 45, 659 (1932).

طرفین دعوا رأساً امتناع نماید، این امر استنکاف از اجرای عدالت تلقی می‌شود (۱). داشتن چنین حقی است که بوکیل متهم اجازه می‌دهد با او برای فراهم آوردن وسایل دفاع مشورت نماید. اگر متهم قبل از محاکمه یا در جریان آن حق مشورت با وکیل خود را نداشته باشد و از ارتباط بین او و وکیلش جلوگیری شود، بمنزله اینست که وی از معاضدت و مشاورت وکیل محروم بوده است. **حق متهم بدانستن و علم بماهیت اتهام خود.** هر متهمی باید از طبیعت و ماهیت اتهام جزایی خود در مدت زمان کافی قبل از محاکمه‌اش مطلع باشد تا بتواند وسایل دفاع مناسب را تمهید نماید.

آزادی‌هایی که بر طبق اصلاح هفتم تضمین شده‌اند

در محاکمات مبتنی بر حقوق ننوشته عادت (۲) اگر میزان خواسته دعوا از بیست دلار زیادتر باشد، بموضوع باید در محضر هیئت منصفه رسیدگی شود. و هر امری که بوسیله هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، بر طبق قواعد حقوق ننوشته عادت بنوع دیگر مجدداً در محکمه عالی ایالات متحده مورد رسیدگی واقع نخواهد شد. البته این اصلاح ناظر بمحاکمات جزایی معمول در دادگاههای فدرال است و مربوط به دادگاههای ایالات نمی‌باشد. اما بر طبق قاعده کلی در دعاوی حقوقی در موارد مشابه افراد می‌توانند در محاکمات ایالات باین حق استناد نمایند. کنکره و محاکم فدرال هیچیک نمی‌توانند حق رسیدگی در محضر هیئت منصفه را از کسی سلب نمایند، زیرا این حق بوسیله اصلاح هفتم تضمین شده است. این قاعده تنها در دعاوی مربوط به حقوق ننوشته عادت در مقابل «انصاف» و دعاوی مربوط به «حقوق دریایی و رویه قضایی» معمول است.

1) Moore v. Michigan 355 U. S. 156 (1957) ;
Reece v. Georgia 350 U. S. (1955) ; Carter v .
Illinois 329 U. S. 173, 174 (1946) .

2) Common law .

اصلاح هشتم

تأمین و منع محکوم کردن مجازاتهای شدید و غیر عادی

نه اخذ تأمین شدید مواجه است، نه محکوم کردن بغرامات سنگین و مجازاتهای غیر عادی و بیرحمانه (قانون اساسی ایالات متحده آمریکا اصلاح هشتم). این اصلاح ناظر بمحدود کردن عمل حکومت فدرال است نه ایالات.

تأمین شدید، هر چند این محدودیت فقط مربوط بمحاکم فدرال است، در تمام ایالتها قوانینی بر منع اخذ تأمینهای نامتناسب وجود دارد. و قانون آیین دادرسی کیفری فدرال در هر مورد مبین و واجد قواعد معمول و مرسوم است.

تأمین باید آنچنان و بمیزانی اخذ شود که حضور متهم را در مراحل مختلف رسیدگی محقق سازد و متناسب با طبیعت جرم و اوضاع و احوال قضیه و قراین و اماراتی باشد که بزه را بمتهم انتساب می دهند و نیز وضع مالی و معیشت اجتماعی متهم در این امر ملحوظ گردد. شدت تأمین با توجه بخصوصیات هر مورد خاص قابل تشخیص است. تأمین موضوعاً برای این است که حضور متهم در محکمه برای رسیدگی و صدور حکم و اجرای آن محرز شود. هر تأمینی که از میزان معقولی تجاوز کند، نامتناسب شمرده می شود. در حقوق آمریکا تأمین یک امر اساسی است؛ باین بیان که هیچکس را نمی توان بدلخواه و با اخذ تأمینی که برای متهم تمهید آن ممتنع است، یا بدون دلیل توقیف نمود. در این مورد محکمه عالی اخیراً چنین نظر داده است که «حقوق قدیم که بمتهم اجازه داده است و سایل دفاع از خود را قبل از آنکه محکوم شود، فراهم نماید، برای این است که از اجرای مجازات قبل از آنکه متهمی محکوم شود، اجتناب گردد. اگر اخذ تأمین قبل از محاکمه مورد نظر قانون واقع نمی شد، اصل برائت که پس از قرنها مبارزه حاصل شده است، معنی خود را از دست می داد.»

مجازاتهای شدید و غیر عادی، کلمات شدید و غیر عادی مجازاتهای غیر انسانی و وحشیانه و مجازاتهایی را که بموجب حقوق نوشته عادت شناخته نشده اند، متبادر بذهن می سازد. حمایت قانون اساسی مربوط بطرق اجرای مجازات است

و توجهی. بوسایل مورد استفاده در اجرای حکم اعدام و سلب حیات از محکوم ندارد.

محاکم اعلام کرده اند که مجازات اعدام بنفسه وحشیانه نیست، اگرچه با وسایل برقی یا دار یا تیر باران یا قطع سر یا استفاده از اطاق گاز اجرا شود. مجازاتهای وحشیانه مجازاتهایی است که مرگ در آنها توأم با شکنجه و در مدت طولانی باشد. مثل وقتی که محکوم زنده در دیگ جوشانده شود، یا روی چوب مصلوب گردد. مجازات دوازده سال حبس با اعمال شاقه برای جعل اسناد دولتی با توجه بمیزان و خصوصیت شدت آن، بعنوان مجازات وحشیانه و غیر عادی شناخته شده است. در پرونده دیگری نیز اخیراً محکمه عالی مجازات خلع تابعیت را در باره کسی که در زمان جنگ از خدمت نظام فرار کرده، وحشیانه و غیر عادی تشخیص داده و استدلال کرده که دادرسی ارتش مفهوم صحیح کلمات وحشیانه و غیر عادی را بخوبی درک و تجزیه و تحلیل نکرده است. اصول قانون اساسی از سنن و نظم جزایی انگلیسی آمریکایی الهام گرفته است. اصلاح هشتم فلسفه ای جز حفظ حیثیت انسانی ندارد. اگر حکومت قدرت تنبیه دارد، اصلاح هشتم هم برای این است که مراقبت شود، قدرت با توجه بشئون انسانی اعمال گردد ...»

عطف بماسبق نشدن قوانین

منع محکوم کردن بدون رعایت آیین دادرسی کیفری

قانونی که محکوم کردن بدون رعایت مقررات آیین دادرسی کیفری با عطف بماسبق شدن قوانین را متضمن باشد، تصویب نخواهد شد (قانون اساسی ایالات متحده آمریکا اصل یکم، بخش نهم، بند سوم). هیچ ایالتی نمی تواند از مصرحات فوق تخطی کند (قانون اساسی ایالات متحده آمریکا اصل یکم، بخش دوم، بند یکم).

مقررات مذکور در بالا هم ناظر بقدرت حکومت فدرال است و هم مربوط بقدرت ایالات.

«محکوم کردن بدون رعایت مقررات آیین دادرسی کیفری». محکوم

کردن بدون رعایت مقررات قانونی و اعمال آن عبارت است از اینکه مجازاتی را با فرد یا اعضای یک گروه بدون رعایت موازین قانونی و عدالت تحمیل نمایند. محکمه عالی اخیراً در پرونده‌ای چنین رأی داده است: «زمانی که قانون اساسی و اعلامیه حقوق تنظیم می‌گردید، اجداد ما حق داشتند که مجازاتهای تعیین شده وسیله قوه مقننه را که بدون رعایت موازین قانونی راساً اعمال می‌شود، خطر بزرگی برای آزادی افراد ملت، که از این آزادی‌ها برخوردارند، بیندازند».

مجازات‌ها عبارتند از اعدام، حبس، غرامت، ضبط، منع مداخله در اموال، منع اشتغال برخی از حرف و مشاغل و مناصب دولتی، منع پرداخت حقوق. و اعمال هر یک از آنان بدون رعایت موازین قانونی نقض قانون اساسی است.

عطف بماسبق شدن قانون. عطف بماسبق شدن قانون عبارت از این است که امری که قبل از وضع قانون جایز و انجام آن آزاد بوده است، بوسیله قانون لاحق ممنوع اعلام و مستوجب کیفر شناخته شود؛ و نیز هر گاه مجازات جرمی تشدید گردد و جرم قبل از این قانون ارتکاب یافته باشد، اعمال قانون جدید نسبت بجرم سابق، عطف بماسبق شدن است و بطور کلی موارد مذکور لطمه شدیدی است که به آزادیهای اجتماعی افراد وارد می‌شود و مخالف با قانون اساسی است.

بازداشت موقت. جز در مورد غارت یا تهاجم مسلحانه بکشور یا زمانی که امنیت عمومی ایجاب نماید، نمی‌توان کسی را بدون تکلیف در بازداشت موقت نگهداشت. این حقوق که در تمام ایالتها وجود دارد، وسیله‌ای است که بموجب آن قاضی در مورد بازداشت شخصی فوراً اتخاذ تصمیم می‌نماید. بازداشت موقت احتیاطی برای اجتناب از این است که شخص بدون رعایت مقررات قانون و بعلل نامعلوم در زندان بماند.

اصلاح سیزدهم آزادی اشتغال بحرف و مشاغل

بردگی و خدمت اجباری اگر مجازات جرمی که مقصر بر طبق قانون باید متحمل آن شود، نباشد، در ایالات متحده آمریکا یا در هیچیک از نقاط واقع در قلمرو قانونی آن وجود ندارد (قانون اساسی آمریکا اصلاح سیزدهم بخش یکم). این اصلاح در سال ۱۸۶۵ در پایان جنگ داخلی تصویب گردید و بردگی و خدمت اجباری را لغو نمود. در سال ۱۸۶۷ کنگره قانونی را تصویب نمود که بموجب آن خدمت اجباری ممنوع شد و محکمه عالی نیز تمام قوانینی را که حافظ بردگی و خدمت اجباری باشد و مقتضی اجرای مستقیم یا غیر مستقیم آن شناخته شود، مخالف قانون اساسی اعلام کرده است.

اصلاح چهاردهم

آزادیهای مدنی (اجتماعی) و اعمال تبعیض آمیز

اصلاح چهاردهم قانون اساسی آمریکا صریحاً مبین این است که هیچ ایالتی قوانینی که مزایا و یا مصونیت‌های سکنه آمریکا را بقسمی محدود کند، اعم از اینکه فردی را از زندگی، آزادی یا مالکیتش بدون رعایت تشریفات دادرسی محروم یا از اقامه دعوای قانونی خودش ممنوع نماید، وضع و اجرا نخواهد کرد. اصلاح پنجم قانون مزبور نیز صراحت دارد که هیچکس را از حیات، آزادی و مالکیت جز بحکم قانون نمی‌توان محروم کرد. این مقررات مبنای قوانین فدرال و ایالت‌ها بر ضد تبعیض بین افراد از نظر نژاد، رنگ یا اعتقادات مذهبی است.

تبعیض در مورد آموزش عمومی - آرای محکمه عالی در موضوع تبعیض نژادی بخصوص در مدارس عمومی نشان پیشرفت شگرفی است که در طی ده سال اخیر در قلمرو آزادیهای اجتماعی حاصل شده است. در سال ۱۹۵۴ محکمه عالی اعلام نمود که تفکیک اطفال سیاه پوست از اطفال سفید پوست در مدارس عمومی يك ایالت اگر بر مبنای نژاد باشد، مخالف با تساوی افراد در برابر قانون

است» که بوسیله اصلاح چهاردهم تضمین شده، هر چند چنین تفکیکی بر طبق قوانین ایالتی مجاز باشد.

پنج مورد در ایالت کانزاس، کالیفرنیا، ویرجینیا و دلواری پیش آمده که در هر یک از این موارد اطفال سیاهپوست برای کسب اجازه بمحاکم رجوع و تقاضا نموده‌اند که به آنان نیز مانند اطفال سفید پوست اجازه استفاده از مدارس محلی و عمومی داده شود، و در تمام این موارد با وجودی که دادن چنین اجازه‌ای فاقد منع قانونی بوده، از دادن اجازه بآنها امتناع شده است و محاکم تالی در رد این تقاضا به عقیده «تفکیک اما تساوی» استناد نموده‌اند. در سال ۱۸۹۶ اولین بار محکمه عالی در این مورد رأی صادر نمود. بموجب عقیده مذکور وقتیکه وسایل اجرای قانون در مورد افراد نژاد های مختلف یکسان باشد، حتی اگر افراد نژاد های مختلف از یکدیگر تفکیک شده باشند، چنین وصفی مخالفتی با تساوی ندارد.

محکمه در سال ۱۹۵۴ اعلام نمود که «بنظر ما عقیده تفکیک اما تساوی در مورد تعلیمات عمومی مفهوم و موقعیتی ندارد، زیرا در تعلیمات اساساً تفکیک ایجاد عدم تساوی می نماید.» با قبول این امر که تفکیک برخلاف قانون اساسی و اصلاح چهاردهم است، محکمه بررسی و بحث در این زمینه را که از مقررات مربوط به آیین دادرسی نیز تخلف شده یا نه، زاید تشخیص داده است. در همین تاریخ محکمه عالی اظهار نظر کرده است که تبعیض نژادی در مدارس عمومی ناحیه کلمبیا نقض مقررات مربوط بدادرسی قانونی، موضوع اصلاح پنجم قانون اساسی است، در اینجا محکمه اعلام داشته که تبعیض در تعلیمات عمومی با هیچیک از مقررات مطابقت موضوعی ندارد و در نتیجه با اطفال سیاهپوست، محرومیت از آزادی را تحمیل می نماید؛ در ۳۱ مه ۱۹۵۵ در اجرای رأی که در سال ۱۹۵۴ صادر نموده بود، نظریه‌ای را بیان کرده است که در آن اساساً خصوصیت خلاف قانون اساسی بودن تبعیض نژادی در تعلیمات عمومی امری بدیهی است، محکمه مقرر داشت که اصول قانونی فدرال و ایالات و نظامات ناحیه‌ای در مورد تبعیض

نژادی بارعایت اصل فوق باید مد نظر قرار گیرند و اقدامات مؤثری در جهت رفع تبعیض نژادی در مدارس عمومی بعمل آید. و تاکید نمود که اجرای کامل اصول قانون اساسی بدون تردید ایجاب می نماید که مسایل مختلف تعلیماتی در برنامه های محلی حل شود و مقررات فوری و موجهی را در جهت هماهنگی ساختن تعلیمات با تصمیم محکمه لازم می دانست.

در رای دیگر که اخیراً صادر شده است، محکمه عالی نظر داده است که يك نفر سیاهپوست حق دارد بدون هیچ تأخیری بر طبق نظامات مربوطه مدارس داوطلبان در مدارس عالی يك ایالت پذیرفته شود. در آرای مربوط به مدارس عالی محکمه تاکید کرده است که داوطلبان سیاهپوست حق آمد و رفت در مدارس عالی را که از اعانه و کمک ایالت بهره مندمی گردد، بدون توجه بر ننگ پوست دارند. معیناً رای محکمه صراحت دارد که مدارس نتوانسته اند برای شاگردان سیاهپوست، امکانات متساوی تحصیل را فراهم آورند.

تبعیض در مسکن بوسیله تعیین قسمت و بخشهای اختصاصی. تعیین و اختصاص بخشهای معین برای سکونت افراد، برخلاف مقررات قانون اساسی است، آرا و تصمیمات شهرداریها که سیاهپوستان را از سکونت در بخشهایی که اکثریت ساکنین آن را سفیدپوستان تشکیل داده اند، ممنوع سازد یا آنکه اکثریتی را بی موافقت آنها بسکنی در بخشی ملزم نماید، برخلاف قانون اساسی و عبارات اصلاح چهاردهم است که هر تحدیدی را بمالکیت بدون انجام دادن تشریفات قانونی ممنوع کرده است.

تبعیض نژادی از نظر مسکن هنوز هم در نواحی مختلف معمول است. با وجود این میلیونها آمریکایی نتوانسته اند بدون هیچ تبعیضی مسکن بدست آورند و قوای عمومی در بسیاری از ایالات و نواحی تبعیض را در مورد اماکن مربوط به بیک بنگاه عمومی که از دولت کمک مالی دریافت می دارد، منع کرده اند.

تبعیض بوسیله ایجاد شرایط محدود کننده. اصلاح چهاردهم هر گونه تبعیض را که مبتنی بر ملاحظات نژادی یا رنگ از طرف ایالت باشد، ممنوع

و تساوی در بهره‌مندی از حقوق مدنی و سیاسی را تحکیم نموده است. این اصل نسبت به حکومت فدرال نیز به همین کیفیت مجراست.

در موضوع «شلی» محکمه عالی اعلام نمود که بدون شك، حق اکتساب و تمتع و مالکیت از حقوق مدنی افراد است و اصلاح چهاردهم از این حقوق در برابر هر عمل تبعیض آمیز حمایت می‌نماید و هیچکس نمی‌تواند با استناد ملاحظاتی نژادی و اعمال شرایط محدود کننده تقاضای غرامت نماید. زیرا این عمل تخلف از قاعده «حمایت قانونی» است. انعقاد قراردادهای محدود کننده بین افراد یک عمل خصوصی است و با هیچیک از مقررات قانون اساسی مبیانت ندارد. اما اگر محکمه اجرای این قرارداد را تضمین نماید، اصلاح چهاردهم را نقض نموده است.

تبعیض در داشتن حق رأی. حق رأی مردم ایالات متحده آمریکا تحت هیچ عنوانی اعم از نژاد یا رنگ یا جنس نه بوسیله حکومت فدرال قابل انکار و تردید است و نه بوسیله ایالتها (قانون اساسی آمریکا، اصلاح پانزدهم و نوزدهم).

اصول مذکور ناظر بمنع تبعیض در مورد رأی بعلت نژادی یا رنگ، یا جنس است و در هر انتخاباتی، محلی یا ایالتی یا ملی یا در مسایل مورد علاقه عموم که مستلزم اتخاذ تصمیم بوسیله مردم است یا در انتخاب کارمندان، معمول و مجراست. در ایالات جنوبی کوشش شده است که بوسیله مختلف حق شرکت در انتخابات از سیاهپوستان سلب شود. و از تدابیری که در این باره اتخاذ کرده‌اند، مالیات انتخاباتی باروش تحقیقاتی است. اما محکمه عالی ایجاد چنین ضوابط و وسایلی را برخلاف قانون اساسی اعلام نموده است^(۱). محکمه عالی قانون ایالتی را را که باحزاب سیاسی فقط حق تعیین نامزدهای سفیدپوست و طرد سیاهپوستان را در امرنامه حزبی داده است، نسخ کرده است^(۲).

1) *Lame v. Wilson* 307 M. S. 268 (1939); *Guiww v. U. S.* 238 U. S. 317 (1915); *Nixon v. Herdnon* 273 U. S. 536 (1927); *Davis v. Schnell* 81 F. Smp. 872 (1949).
2 *Smilh v. Allwright* 321 U. S. 699 (1944).

تبعیض در انتخاب اعضای هیئت منصفه . محکمه عالی در موارد متعددی اعلام داشته است که اگر از اعضای هیئت منصفه بعلت رنگ افرادی طرد شده باشند ، متهم از حمایت قانونی تضمین شده بوسیله اصلاح چهاردهم برخوردار نشده است . نتیجه آنکه هیچ ایالتی نمی تواند در يك محاکمه بمتهم تبعیضی را که بوسیله قانون اساسی فدرال ممنوع است ، تحمیل نماید . و محاکماتی که در حضور هیئت منصفه هایی انجام می شود که از چند گروه نژادی خاص ترکیب و تشکیل شده اند ، فاقد مبنای قانونی است .

تبعیض و استفاده از اماکن و وسایل عمومی . اخیراً محکمه عالی در آرای متعددی اعلام کرده است که قوانینی که تفکیک مسافرین سفیدپوست را از مسافرین سایر نژادها بهنگام سفر در داخل ایالات در وسایل نقلیه عمومی الزامی کرده باشد ، باطل و بی اثر است . و آرای دیگری نیز صادر شده است که بموجب آنها ، تبعیض بعلت رنگ یا نژاد ، در پارکها و پلاژها و سایر اماکن عمومی برخلاف قانون اساسی است .

آزادیهای اجتماعی و سیاسی و بازرسی کنگره . بعد از جنگ جهانی دوم در کنگره يك نوع بازرسی ابداع شد که تا آن موقع در تاریخ آمریکا ناشناخته بود ، و حکومت و آزادیهایی که با قانون اساسی تضمین شده اند ، در معرض خطر قرار می داد و مرحله سختی در تاریخ آمریکا بود . اساس این فکر اعلامیه حقوق در خصوص تجدید قدرت و جلوگیری از توسعه اقتدار قوه مقننه بود . محکمه عالی مداخلات کنگره را که بوسیله کمیسیونهایش صورت می گیرد ، تابع محدودیتهای خاصی شناخته است و از آن نمی توان برای مداخله در امور خصوصی افراد استفاده کرد ، زیرا بیشتر اختیارات مذکور مربوط بتحقیق در مسایل مربوط بطرحهای قانونی است که با قدرت تضمینی همسان می باشد . تضمیناتی که بموجب قانون اساسی برای حقوق افراد اجتماع شناخته شده است ، اختیارات کنگره را محدود کرده است ، چه حقوق فردی از جمله آزادی بیان ، آزادی مطبوعات ، آزادی مذهب ، آزادی داشتن عقیده سیاسی و شرکت در مجامع و

منع توقیف غیر قانونی و اجبار باقرار وسیله مقررات قانون اساسی تسجیل و تضمین شده اند. زمانی که کنگره بموجب اختیاراتی که داراست، بتحقیق می پردازد، اصول آیین دادرسی کیفری مجرا در سازمانهای قضایی را اعمال می نماید. از اینرو کسی که بعنوان گواه در کمیسیونهای کنگره احضار می شود، می تواند از جواب دادن به سئوالاتی که با موضوع تحقیق ربط ندارد، خودداری نماید و بيمناك و نگران نباشد که بعنوان توهین نسبت بکنگره محکوم شود.

تابعیت. هر فرد متولد در آمریکا یا کسی که به تابعیت دولت آمریکا درآمده است، تبعه ایالات متحده آمریکا و ایالتی است که در آن سکنی دارد (قانون اساسی ایالات متحده آمریکا اصلاح چهارم). این اصل متضمن و مبین مقررات مربوط بحق تابعیت است. بموجب اصل فوق تابعیت آمریکا بهر کس که در آمریکا متولد شده یا بر طبق مقررات تابعیت آمریکا باو اعطا شده است، تعلق دارد.

محکمه عالی رای داده است، کنگره اختیار دارد کسی را که در انتخابات سیاسی يك کشور خارجی شرکت می نماید، از تابعیت آمریکا مخلوع اعلام نماید (۱). اما همین محکمه سلب تابعیت از فردی که کشورش را در زمان جنگ یا بحران برای فرار نظام و طیفه ترك کند، بوسیله کنگره مردود شناخته است. در موضوع دیگری (۲) محکمه عالی مصوبات کنگره را که بدادرسی ارتش اجازه دهد يك فرد آمریکایی اصل را بسبب فرار در زمان جنگ به سلب تابعیت محکوم کند، از نظر مخالفت با اصلاح هشتم که قبلا ذکر شد، برخلاف قانون اساسی تشخیص داده است. محکمه عالی در يك مورد دیگر این نظر را که يك تبعه آمریکا چون در قشون ژاپن خدمت نموده است، تابعیت آمریکایی خود را از دست داده، مردود اعلام کرده است. محکمه در این مورد خواسته است بگوید که اگر مبنای از دست دادن تابعیت در این امراض تبعه باشد، بر عهده حکومت

1) Perez Brownelle .

2) Prop. v. Dulles.

است که قصد تبعه را بر صرف نظر کردن از تابعیت باثبات رساند و بعبارت دیگر بار دلیل بردوش شخصی است که می خواهد سلب تابعیت را ثابت کند. و دلایل کافی برای این کار ضروری است. دلایلی که هدف تبعه را آشکارا و بدون ابهام منجزاً مدلل نماید. با داشتن اجازه و اراده تابعیت کشور دیگر می توان بطور موقت یا همیشه تابعیت آمریکا را از دست داد. در یک مورد (۱) وارن رئیس محکمه عالی اعلام کرد که تابعیت از حقوق اساسی افراد است که بموجب نظام حکومت و بوسیله قانون اساسی قوام یافته، تبعه آمریکا را خواه آمریکایی اصل باشد یا تابعیت را اکتساب نموده باشد، نمی توان از تابعیت محروم نمود. اما او آزاد است که از تابعیت آمریکا صرف نظر کند.

آزادی مراد و بداخل و خارج کشور، حق تغییر اقامتگاه و مسکن در داخل کشور. اتباع آمریکا حق دارند آزادانه از ایالتی بایالت دیگر آمد و رفت کنند. این حق را از لوازم حق تابعیت می دانند و از هر تحدیدی مصون است. در نتیجه هیچ ایالتی نمی تواند برای کسانی که از آن ایالت عبور می کند، مالیاتی وضع یا برای ورود بقلمرو ایالت خود منعی ایجاد کند.

البته آزادی افراد در استیفای این حق تابع نظامات و مقرراتی است که مجال سوء استفاده را از افراد سلب می نماید.

حق عبور و مسافرت بخارج کشور. حق مسافرت جزئی از آزادیهای انسانی است و بدون رعایت مقررات قانونی اصلاح پنجم هیچکس را نمی توان از این حق محروم کرد. آزادی مسافرت یکی از جنبه های مهم آزادی فردی است. حق عبور از سرحدات اعم از ورود یا خروج باید پیوسته ملحوظ باشد.

محکمه عالی این حق را «حق اساسی افراد جامعه» دانسته است و یک تبعه آمریکا حق دارد بوجه مفیدی از این حق برخوردار شود. همین محکمه تاکید کرده است که حق مسافرت یک حق طبیعی است و هر محدودیتی که به آن وارد بشود، باید بر طبق مقررات و اصول قانونی صورت پذیرد.

1) Perez.